اندیشه اسلامی در گفت و گو با پرفسور اوادو ویترای میروویچ

ترجمه: صالح واصلی

اشاره

استاد خانم ایوادو ویترای میروویچ، مستشرق مسلمان فرانسوی، از موقعیت شایسته ای در محافل دانشگاهی فرانسه و به طور کلی در سطح غرب برخوردار بوده است. به علاوه، سوابق اسلامی وی مثبت است. شهرت وی از طریق ارائه آثار مهم صوفی گری و کتابهایی که به زبانهای مختلف ترجمه گردیده، کسب شده است. آشنایی نزدیک جهان عرب و اسلام با نامبرده از هنگامی است که وی در فواصل سالهای 1973-1969 به تدریس در دانشگاه الازهر پرداخت و سخنرانیهایی نیز در اغلب کشورهای عربی و از جمله کویت در سال 1971 ایراد نمود. خانم ایوا میرویچ در خصوص تفکر صوفی گری تخصص دارد و آثار مولانا جلال الدین رومی را برای ترجمه به فرانسوی انتخاب کرده است. همچنین ضمن مطالعه تالیفات و آثار محمد اقبال، پدر روحانی کشور اسلامی پاکستان، به ترجمه آنها مبادرت ورزید. استاد میرویچ تالیفات مختلفی درباره شعر تصوف و نیز تفکر اسلامی تدوین نموده که از جمله می توان به «چهره دیگر اسلام » و «نماز در اسلام » اشاره نمود. نامبرده در سال 1963 به اسلام گروید. وی اخیرا و در سن 90 سالگی در فرانسه دار فانی را وداع گفت و به رحمت ایزدی پیوست.

مجله الزمن مصاحبه ای را با وی در پاریس انجام داده است که توجه خوانندگان را به آن جلب می نماییم:

در ابتدا، چه عنوانی را برای خود می پسندید، عرب شناس، شرق شناس یا استاد اندیشه اسلامی؟

مایلم مرا به عنوان یک زن مسلمان فرانسوی بدانید; چرا که این عنوان برای من بهتر از هر عنوان دیگری است.

برخی از روزنامه نگاران شما را اشتباها لهستانی الاصل به شمار می آورند، اصالت و رشد علمی شما از کجاست؟

پدرم از اشراف زادگان فرانسوی و مادرم اصالتا اسکاتلندی است. موفق به اخذ لیسانس حقوق و سپس دکترای ادبیات از دانشگاه سوربن شده ام، رساله دکترای من درباره «جلال الدین رومی و روابط روحانیت و شعر در جهان اسلام » بوده است. البته منظورم ابن رومی، شاعر معروف عرب نمی باشد.

غالبا تحقیقات من پیرامون اشعار مولانا و آثار او بوده و زیبایی اندیشه ها و شیوه های تعبیری وی و نیز اشعار شیوایش مرا تحت تاثیر خود قرار داد.

چگونه به وجود مولای رومی پی بردید و چه چیزی موجب جلب توجه شما نسبت به وی گردید؟

این افتخار به محمد اقبال، شاعر و اندیشمند بزرگ اسلامی، برمی گردد; چرا که ابتدا با تالیفات وی آشنا شدم و ملاحظه کردم که او بسیار از مولای رومی سخن گفته، به آثارش استناد می ورزد. هنگامی که به مطالعه آثار مولانا پرداختم، به شگفتی آن پی بردم و همین امر موجب گردید تا به ترجمه تمامی آثار مولانا از فارسی به فرانسوی اقدام کنم.

آیا کتاب «آنتولوژی تصوف » به عنوان بخشی از کارهای شما در ارتباط با مولای رومی است؟

خیر، در واقع این کتاب یک کار مستقل و ویژه درباره مولانا است که شامل ترجمه مثنوی، حاوی 25 هزار یت شعر، رباعیات و نثر، کتاب معرفت که با عنوان «کتاب فیه مافیه » انتشار یافته و همچنین تالیفات دیگر می باشد.

اندیشه های مولانا چه چیز تازه ای برای دوران ما دارد؟

ما به شدت به اندیشه های او نیازمندیم; زیرا شناسایی ارزش دیگران در زمان ما بسیار مهم است و این همان چیزی است که مولانا بر آن تاکید داشته است. جلال الدین رومی به سلوک نفسانی خود اهمیت ویژه ای داده، شناخت خود را نسبت به آن تعمیق بخشید، سپس شناخت خود را نسبت به دیگران گسترش داد و پس از آن، دیگران را به سوی آن فراخواند.

شاید بتوان چنین مقوله ای را بر دیگر بزرگان تصوف اطلاق نمود، چه چیزی جلال الدین رومی را از سایرین متمایز می سازد؟

البته اسلام; زیرا دیدگاه مولانا بر مبنای اسلام استوار بوده و از آن الهام گرفته است. ارائه مبانی والای اسلامی از طریق اندیشه های وی، با زیور زهد و وسیله عشق الهی می باشد.

آیا دیدگاه مولانا نسبت به زندگی را یک دیدگاه خاص تلقی می کنید. چرا؟

بله، نگرش او به زندگی از ویژگی خاصی برخوردار بوده و جهانی است. او قائل به این امر است که دیگری نیز ممکن است محق باشد و مقوله ای وجود دارد مبنی بر اینکه چنانچه منشاء دو (چیز)، حقیقتی واحد باشد، تناقضی میان آن دو نیست. آثار مولانا ماهیت مباحثه ای ندارد و همچنین متضمن تاکید بر صحت (یا رد) یکی از ادیان الهی نمی باشد. آثار او، در واقع، مشتمل بر نحوه زندگی از طریق پایبندی به دین و تکامل با آن به صورت زنده و آشکار که هیچ کس قادر به پنهان ساختن آن نیست، می باشد. مولانا همچنین در راس طریقت صوفی بود; طریقتی که بسیاری از سالکین در آن بوده، تا به حال نیز هزاران مشتاق در سطح جهان به آن گرایش دارند.

مگر نه این است که مولای رومی می گوید اگر یک ذره را به دو نیم کنیم، در دل آن یک منظومه شمسی خواهیم یافت؟

آری، البته به این محدود نمی شود و علاوه بر عظمت افکارش و شیوه بیان مجازیش، یک نوع نگرش و پیش بینی نسبت به قضایای شگفت آمیز زمان خود داشت; اگرچه او در اوایل قرن سیزده میلادی به عنوان یک اندیشمند یا دانشمند جوان آن دوران به شمار می آمد; برای مثال، گفته است: اگر قادر بودید تا هسته ای را به دو نیم کنید، (آنچه که در بادی امر به ذهن می رسد، این است که منظور وی، فرض وجود یک هسته است، در حالی که او یک نوع پیش گویی علمی نموده است) در درون آن جهان دیگری خواهید یافت که برای خود، خورشید و ستارگان پیرامون آن را دارد و نیز می گوید: شکستن این هسته، خطر بزرگی در پی خواهد داشت که بدین وسیله، به دنیای انفجار هسته ای اشاره نموده است. همچنین می افزاید: اگر هسته ای به دو نیم شود، زمین را به ویرانی خواهد کشاند. به عبارتی، او از آن هنگام به خطری که بشر را تهدید می کند، پی برده و نسبت به انتشار نیروی اتمی هشدار داده بود و این چیزی است که مورد تاکید آزمایشهای جدید قرار گرفته است.

گمان می کنم که مولای رومی به رازی که در موسیقی نهفته و می تواند تحولات مهمی را در جهان باعث شود، پی برده بود، آیا همین طور است؟

آری، ولی این راز در ارتباط با زمینه های ادراکی و هنری است. × یعنی ارتباطی با جنبه علمی ندارد؟

دقیقا; چرا که موسیقی یک واقعیت علمی نیست، بلکه یک واقعیت هنری است. جلال الدین رومی به رغم اینکه یک شاعر برجسته بود، اما همچنان نسبت به عبادات که همگام با سیر و سلوک او بود، پایبند باقی ماند.

مایل هستیم قدری هم از اندیشمند محمد اقبال سخن بگوییم. می دانیم که نخستین آشنایی شما با اسلام، از طریق کتاب «تجدید ساختار تفکر دینی در اسلام » وی بوده است، چه چیزی موجب گردید تا بدین حد، به فلسفه اقبال علاقه مند شوید و درصدد ترجمه کتاب مذکور از انگلیسی به فرانسوی برآیید؟

پس از مدتها جست و جو و ناکامی در ادیان مختلف، گمشده خود را در این فلسفه یافتم; چرا که نگرشی شمولی به جهان و بشریت داشت و این ویژگی فلسفه محمد اقبال و ماهیت جهان شمولی آن است; بدون آنکه بخواهیم از ویژگی اسلامی آن بکاهیم. در آن هنگام مبنای شناختی مستحکمی درباره ادیان نداشتم و اتفاقا کتاب مذکور اقبال را دیدم و اقدام به ترجمه آن از انگلیسی به فرانسه کردم و این اقدام را در دفتر کار خود در مرکز ملی پژوهشهای علمی، (CNRS) انجام دادم که البته مطالعه آن کتاب، عامل تعیین کننده ای در مشخص کردن موضع دینی ام داشت; چرا که پاسخگوی تمایل من به جهان شمولی بود و این ویژگی بارز اسلام به شمار می رود.

یعنی عامل تاثیرگذار اسلام در شما، مساله جهان شمولی آن بوده است؟

این چیزی است که در جهان اقبال یافتم و نیز اشتیاقی است که به تعمیق شناخت خود نسبت به میراث و اندیشه اسلامی داشتم، این اقبال بود که مرا به یک منبع روحی سرشار یعنی مولانا هدایت کرد. بنابراین توجه من به وی، موجب فراگیری زبان فارسی شد; چرا که وی آثارش را به زبان فارسی نوشته است. اقبال علی رغم تسلط زبانهای انگلیسی، آلمانی و عربی، مطالبش را به فارسی تالیف نموده است.

آیا گرویدن شما به اسلام ناشی از دلایل نظری بود یا اینکه اسلام را به عنوان یک امر بدیهی و دین فطرت یافتید و سپس درصدد تقویت ادراک خود برآمدید؟

پاسخ این سؤال هم مثبت و هم منفی است; زیرا در ابتدا به عقیده دیگری توجه داشتم و ناگهان اسلام در برابرم ظاهر گردید و مطمئن شدم همان چیزی است که در جست و جوی آن هستم و بعد از آنکه بیشتر با اسلام آشنا شدم، اعتقاد به آن را به عنوان یک عقیده بدیهی در قلبم استوار نمودم.

در ابتدا به اسلام به عنوان یک نظریه قابل اهتمام می نگریستم. سپس هنگامی که از زبانهای اروپایی گذشته و به زبان فارسی پرداختم، به آنچه که در واقع مستلزم آگاهی بود، یعنی حقیقت بدیهی جهان شمولی اسلام، پی بردم و این در حالی بود که از طریق افکار محمد اقبال، با اندیشه های مولای رومی آشنا گردیدم.

ماهیت اسلام به تدریج برایم به عنوان حقیقت نخستین، مجسم گردید و موجب شد تا پس از سه الی چهار سال فراگیری زبان فارسی، شناخت اسلامی ام افزایش یابد.

بدین ترتیب، می توان گفت که شما قبل از پی بردن به اسلام به عنوان یک حقیقت نخستین، در یک دوران مقدماتی بسر برده اید؟

دقیقا همین طور است.

شما در طول زندگی کاری خود، پستهای مهمی را بویژه در مرکز پژوهشهای علمی داشته اید وهنگامی که دو دانشمند مشهور در زمینه علوم هسته ای، یعنی ایرین و ژولیو کوری، اقدام به تاسیس مرکز یاد شده پس از جنگ جهانی دوم نمودند، شما نیز در کنار آنها بودید. در صورت امکان، از آن مرحله صحبت کنید؟

پس از جنگ جهانی ژولیو کوری آن مرکز را تاسیس کرد و به مدت چند سال مدیریت آن را برعهده داشت. کوری در جریان جنگ، رئیس پژوهشکده فرانسه بود و من در آنجا با او آشنا شدم. من مسؤولیت بخش اداری را در اختیار داشتم و وظیفه ام، پذیرش افراد پژوهشگر و راهنمایی آنها به مراکز مشورتی ذیربط بود. این موضوع در زمان اشغال آلمانها بود و بایستی اسرار تحقیقات خود را حفظ می کردیم. برای مثال، هنگام تردد در خارج از منزل و محل کار، بایستی حتما به همراه خود قرص سیانور می داشتیم.

چه ضرورتی داشت که قرص کشنده به همراه خود داشته باشید؟

ژولیو کوری درمرحله آغازین پژوهشهایش درباره بمب اتم قرار داشت، اما در ظاهر، تحقیقات نظری پیرامون اتم می کرد و در حقیقت، در آستانه ساخت بمب اتم بود. به یاد می آورم که کوری در راستای انجام تحقیقاتش، شبها را بیدار می ماند تا بدین وسیله، جهان مخالف نازیسم راز انفجار هسته ای را کشف کند; چرا که از آن بیم می رفت که آلمانها زودتر به این علم و خطرات سنگین آن پی ببرند. من تا سال 1974 در آن مرکز اشتغال داشتم و سپس به آموختن زبان فارسی مشغول گردیدم و اکثر آثار مولانا را ترجمه نمودم.

لطفا درباره سفر به کشورهای عربی و ایراد سخنرانی در آن کشورها توضیح دهید؟

بدیهی است که از پژوهشگران خواسته می شود تا به نشر معلومات خود مبادرت ورزند. در همین راستا بود که اینجانب طی سالهای 1969 تا 1973، اقدام به تدریس فلسفه تطبیقی در دانشگاه الازهر نمودم که مورد استقبال گرم آنان قرار گرفتم. همچنین سخنرانیهایی نیز در سایر کشورهای عربی بجز عراق ایراد کردم. برای مثال، نج یا شش سخنرانی در مرکز فرهنگی فرانسه در کویت داشته ام و به همین مناسبت، مورد استقبال امیر کویت قرار گرفتم. همچنین به زیارت خانه خدا و انجام فریضه حج نائل گردیدم. همچنین به ترکیه دعوت شدم و مورد استقبال گرم آنان قرار گرفتم و قبر مولانا و مکان تدریس وی را زیارت نمودم.

منبع:

مجله الزمن، شماره 39، مورخ 3/7/1999